

روش‌شناسی پژوهش: با تأکید بر رویکردهای مدرن

دکتر جواد علاقبندراد

۲- صرف نظر از الگوی مورد نظر در پژوهش، برای نحوه انجام پژوهش باید اصول راهنما وجود داشته باشد.

۳- پژوهش باید منتشر شود (به صورت مقاله در مجله یا سخنرانی در اجلاس علمی) و ضمن آن توصیف دقیقی از متدولوژی مورد استفاده داده شود. بدیهی است در غیر این صورت کسی نمی‌تواند آن را بررسی و مشخص کند که دیگران نیز می‌توانند به نتیجه مشابه دست یابند یا نه.

۴- تعریف اسمیت همچنین بر این نکته تأکید دارد که اعتبار پژوهش باید مستقل از موقعیت علمی پژوهشگر و یا زیبایی نوشتار باشد.

اهداف

پژوهش دارای دو هدف اصلی است: (۱) افزایش دانش در حوزه علمی مورد نظر (۲) و افزایش دانش فرد به عنوان مصرف کننده حرفه‌ای پژوهش تا قادر گردد تحولات جدید آن حوزه علمی ارزیابی و فهم نماید (اوتن باخر، ۱۹۸۶). افزایش دانش در یک حوزه علمی خود می‌تواند اهداف جزئی تری را در بر گیرد؛ برای مثال:

۱- ابداع روش‌هایی که به ارزیابی پدیده‌ها/ مفاهیم مهم پردازد.

۲- توصیف پدیده‌های مربوط و ارتباطات آنها با یکدیگر.

آنچه در این بخش ثابت و جدید فصلنامه خواهد آمد نگاهی متفاوت به مقوله «پژوهش» است که عمدتاً بر دو موضوع متمرکز می‌باشد: ۱- مدیریت پژوهش به عنوان یک فرآیند مدیریتی که بیش از تسلط به تکنیک‌های خاص (نظیر آمار و غیره) مستلزم هدایت صحیح روند پژوهش است. ۲- نگاهی مفهومی به پژوهش و در واقع فرآیند پژوهش.

تعریف و ویژگی‌ها

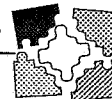
قبل از هر بحث دیگری پژوهش را باید تعریف کنیم. یکی از کوتاه‌ترین و در عین حال دقیق‌ترین تعریف‌ها را اسمیت^۱ (۱۹۸۱) ارائه کرده است. او پژوهش را «بررسی منظم» تعریف می‌کند:

Research is "disciplined inquiry" which must be conducted and reported so that its logical argument can be carefully examined. It does not depend on surface plausibility or the eloquence, Status, or authority of its author error is avoided; evidential test and verification are valued; the dispassionate search for truth is valued over ideology. Every piece of research or evaluation, whether naturalistic, experimental, survey, or historical must meet these standards to be considered discipline (P. 585).

در این تعریف، اسمیت همچنین چند ویژگی اصلی زیر را پژوهش بر می‌شمارد:

۱- طبق تعریف اسمیت، بررسی منظم (disciplined inquiry) بر ماهیت سیستماتیک پژوهش دلالت دارد. بدین ترتیب بررسی نامنظم و بدون قاعده نمی‌تواند پژوهش باشد.

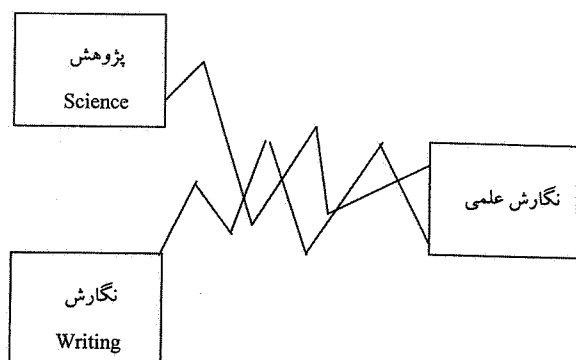
1- Smith ML (1981), Naturalistic research, Pers Guidance Jsq: 585-589. Disciplined inquiry.



همان‌گونه که بحث خواهد شد، تحقیق ترکیبی پویا از تحلیل (analysis) و طراحی (design) است. پژوهشگران معمولاً نتیجه‌نهایی فعالیت‌های پژوهشی خود را در قالب مقاله یا نوشته‌های علمی دیگر ارائه می‌دهند، در واقع به نظر می‌رسد که در فرآیند پژوهش، ابتدا پژوهش صورت گیرد و سپس مقاله پژوهشی که منعکس‌کننده آن فعالیت پژوهشی است، نوشته شود. اما پژوهش و نگارش علمی یک فرآیند را تشکیل می‌دهند و نباید به عنوان اجزای منفک، از هم در نظر گرفته شوند. در واقع از همین جا به نقش مدیریت در فرآیند پژوهش باید توجه شود، زیرا کسی قادر به انجام پژوهش علمی است که از ابتدا پیش‌بینی کند چگونه مقاله‌ای خواهد نوشت.

از طریق نگارش توأم با کار علمی می‌توانیم عملاً دوباره کاری را حذف کنیم. همان‌طور که در شکل ۲ دیده می‌شود، نگارش و پژوهش کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند زیرا:

- پژوهش یک روند مستندسازی است.
- نگارش از تفکر علمی منشأ نمی‌گیرد، بلکه به آن شکل می‌دهد و اصلاحش می‌کند.
- نگارش بازنمایی قابل مشاهده فکر است.
- با شروع همزمان نگارش و پژوهش ما هر دو فرآیند را تقویت می‌کنیم.



شکل ۲- همراهی پژوهش و نگارش در نگارش علمی

۳- فراهم آوردن شواهد لازم برای مؤثر بودن یک روش درمانی یا سایر مداخلات

۴- تقویت اساس نظری آن حوزه علمی

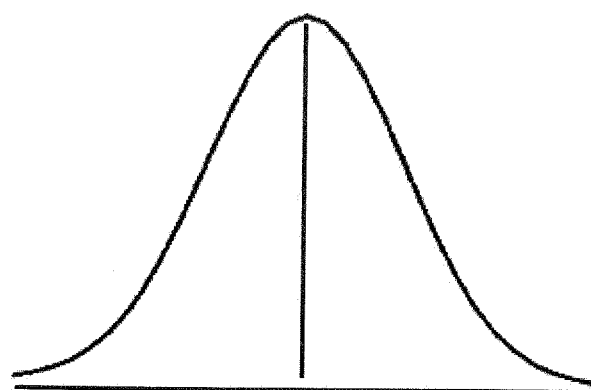
پژوهش به عنوان یک فرآیند

نکته کلیدی آن است که پژوهش یک «فرآیند» فعال و جهت‌دار است که این ویژگی آن را از جمع‌آوری منفعلانه اطلاعات متمایز می‌سازد. در واقع منشأ پژوهش فرضیه‌ای مشخص است که در طی دینامیسم پژوهش مدام در حال تکمیل، تفسیر و تجدید می‌باشد.

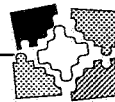
چرا نیازمند فرضیه یا نظریه هستیم؟

پژوهش به عنوان یک فرآیند به جهت نیاز دارد و هرگاه سخن از جهت به میان می‌آید، در واقع مبدأ و مقصد باید مشخص شود. بدون فرضیه یا نظریه، پژوهش صرفاً جمع‌آوری ساده اطلاعات است و بسیار بعید است که به نتیجه‌ای مشخص و مفید منتهی گردد. پژوهش باید به ادبیات حوزه علمی موردنظر (literature) بیفزاید، نه اینکه در جهتی نامشخص و بدون پشتوانه قبلی گام بردارد. نکته دیگر اینکه بدون فرضیه، امکان جمع‌آوری اطلاعات در دو سمت منحنی توزیع نرمال (extremities) زیاد است. (شکل

(۱)



شکل ۱- امکان جمع‌آوری اطلاعات در دو سمت منحنی توزیع نرمال (در غیاب فرضیه)



پژوهش یک روند مستندسازی است

ما معمولاً پژوهش می‌کنیم و سپس آن را به نگارش در می‌آوریم. در واقع، این دو فعالیت را از یکدیگر جدا می‌سازیم. اما بهترین استراتژی تقدم نگارش بر پژوهش است. در این روند، پژوهش با نگارش هدایت می‌شود. در این روند، هیچ‌گاه صرفاً به نگارش نمی‌پردازیم. درک این موضوع مهم، زیر بنایی مفهومی پدید می‌آورد که برای فهم پژوهش ضروری است.

نگارش از تفکر منشأ نمی‌گیرد، بلکه به آن شکل می‌دهد و اصلاحش می‌کند.

نگارش روندی آشکار ساز است که به ما کمک می‌کند تا آنچه را که درباره‌اش فکر می‌کنیم، کشف نماییم. نگارش با ایجاد یک چرخه باز خورد^۱ عملاً افکار جدید را تحریک می‌سازد. علاوه بر این، به روی کاغذ آوردن کلمات یا تصاویر موجب می‌شود که ما به فهم تفکر خویش پردازیم. نگارش همچنین ما را وادار می‌دارد که بر الگوها و ارتباطات میان مفاهیم تمرکز کنیم. بدین ترتیب ما با تبدیل افکار به کلمات یا تصاویر، مفاهیم مبهم را روشن می‌سازیم و خلاءهای موجود در منطق خویش را مشخص می‌کنیم.

نگارش، بازنمایی قابل مشاهده فکر است.

نوشتن وسیله‌ای است که از آن طریق ما با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم. یعنی با همسالان، رؤسا، خوانندگان مجلات و ... تدوین نامناسب یک نوشتار، ضعف فکری را منتقل می‌کند. بر عکس نوشتاری که به درستی تدوین شده باشد، ارزش پیام را در نگاه خواننده بالا می‌برد. همراهی نگارش و پژوهش، هر دو فرآیند را تقویت کند.

پژوهشگرانی که نگارش مقاله خود را از ابتدای کار شروع نمی‌کنند، در پایان دچار این ذهنیت آشفته می‌گردند که تا آن زمان، در حال انجام چه کاری بوده‌اند؟ در نتیجه مقاله آنان دارای پیام روشنی نیست، نتیجه‌گیری‌ها بر شواهد مبتنی نبوده و در مجموع اجزای مقاله دچار ناهماهنگی است. اهداف پژوهش نیز غیر دقیق و استدلال‌ها مبهم است که این امر مسئولان هر مجله‌ای را با مشکلات بیشمار مواجه می‌سازد. اما از طرف دیگر، محققانی که نگارش و کار علمی خویش را همزمان آغاز می‌کنند، یک چرخه بازخورد ایجاد می‌نمایند و باعث می‌شوند همراه همکاران خویش طراحی مطالعه را بیازمایند، منطق آن را بررسی، نتایج را تأیید و انطباق با استانداردها را ارزیابی کنند. آنها همچنین می‌توانند نتایج مورد تأیید را تعمیم دهند.

1- feedback loop